

بازمن ما ندم و پرونده امضا نشده

به گزارش [شکه اطلاع رسانی هرمز](#)؛ چهل روز، چهل قدم فاصله است تا دگر بار بگویم، ای اهل حرم میر علمدار نیامد، چله نوکری ارباب باز شروع شد، باز محرم در راه است امانی دانم من هنوز اندکی رنگ و بوی حسینی دارم یا نه؟

نمی دانم قلبها برای گریه کردن روضه ی ارباب آماده است؟
ای اهل شیعه فقط 40 روز بیشتر نمانده تا قرار عاشقی.

40 روز مانده تا شب هایی که سیاه پوش کنیم کوچه و محله را، آیا فقط همین کافی است؟

به گمانم لازم است باز چله ی عاشقی برپا کنیم، به عشق مولایمان چله نوکری بگیریم، همین 40 روز باقی مانده را شرم کنیم از گناه کردن، فقط 40 روز را به عشق حسین ابن علی گناه نکنیم.

اندکی قلب های غبار گرفته از گناه را جلادهیم بلکه وسط روضه دل غبار گرفته ام بشکند از ظلم کوفیان، تا قطره اشکی بریزم از حب حسین ابن علی.

بسکه از گناه های رنگارنگ معتادم می ترسم با چشم گنه کرده و گریان نشده در روضه ی ارباب نتوانم رخ مهدی فاطمه را ببینم.
آیت الله بهجت فرمودند: «40 روز باقی مانده تا محرم را چله گناه نکردن بگیرید.»

من شیعه ام.

قاصدی بر من خبر رساند 40 روز بیشتر تا محرم نمانده.

به گوشه ای دور از هیاهوی شهر رفتم، با خود خلوت کردم.

ذکر اللهم الرزقنا شفاعة الحسين خواندم و کمی بوکشیدم، آری، درست است بوی محرم می آید.

کمی بعد حسی سراسر وجودم را فرا گرفت

ندای درونم فریاد زد، ای شیعه، تو آماده ای؟

زمزمه کردم با خود، مگر آمادگی می خواهد؟؟؟

باز ندای درونم فریاد زد، آری می خواهد.

کمی فکر کردم با خودم، من بودم و سکوت، فاصله ای دور از شهر.

بعد از مدتی فکر کردن، آرام گرفت وجودم، گویا به نتیجه ای می رسیدم.

چه فکر زیبایی به ذهنم آمد.

گویی کسی سکوت را شکست و اینگونه نجوا کرد؛ اگر قرار باشد در یک مهمانی شرکت کنیم، قطعاً "شب زود تر به خانه می رویم، لباس مناسب می پوشیم، خود را خوشبو می کنیم و..."

هرچقدر مهمانی مهم تر و میزبان مهم تر و عزیزتر باشد، آمادگی ما بیشتر و حساسیت ما نیز بیشتر خواهد بود.

برای این مهمانی مقدماتی لازم است، بایدهدیه ای فراهم کنم.
40 روز دیگر مهمان مولایمان حسین ابن علی خواهیم بود، آیا برای این مهمانی آماده ایم؟

آیا مقدمات این مهمانی را فراهم کرده ایم؟
آیا لباس مناسب برای مهمانی خریده ایم؟
وجود خود را خوشبو کرده ایم؟

هدیه ای که مناسب و در شأن صاحب مهمانی باشد تهیه کرده ایم؟
آری، مقدمه ی این مهمانی اول از هر چیزی معرفت به محرم و صاحب محرم است.

بیائیم با چله ترک گناه و شناخت کافی از محرم و مولایمان حسین ابن علی «سیدالشهدا» کسب معرفت کنیم.

تا وقتی که این معرفت فراهم نباشد آنگونه که در شأن محرم و صاحب محرم باشد آماده نشده ایم.

بیائیم همه قیام کنیم در این 40 روز باقی مانده بلکه اندکی معرفت بیابیم.

کاش شرمنده نباشیم، کاش چشمان بیند قامت مولایی را که در روضه های عمویش عباس حاضر می شود.

کاش قلبم سرشار از معرفت حسینی باشد.

کاش وقتی شب های محرم که قدم به روضه هامی گذارم صاحب عزای مجلس را مقابلم ببینم و عرض تسلیت بگویم.

پروردگارا! این 40 روز باقی مانده را چشمی بینا به من اعطا کن.

کاش قادر باشم همین 40 روز برات کربلایم را بگیرم.

از خداوند بیست و چند سال عمر هدیه گرفتم اما خوب استفاده نکردم و نوک خوبی برای مولایم نبودم.

کاش حراشم و شرمنده ی مولایم باشم.

خبر آمد، خبری در راه است.

قاصدی خوش خبر آمد

بنشست بر لب حوض

زدندایی به من آهسته بگفت

خبری در راه است.

خبر اینگونه بود...

چهل روز تا آغاز پریشانی ما
چهل روز تا بی قراری اطفال حسین(ع)

چهل روز تا سیاه پوشان عالم

چهل روز تا پیری زینب(س)

هر که دارد هوس کربلا بسم الله.

نویسنده: زینب زارعی